

مقایسه وضعیت هوش هیجانی در زنان قربانی خشونت خانگی با گروه شاهد

دکتر محمدعلی امام هادی* - مریم جلیوند** - مینا هادیان***

* متخصص پزشکی قانونی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، عضو مرکز تحقیقات پزشکی قانونی
 ** کارشناس ارشد روان شناسی، مرکز مشاوره توحید، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران
 *** کارشناس ارشد روان سنجی، مرکز مشاوره توحید، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران

چکیده

زمینه و هدف: مسأله خشونت بین فردی و رفتارهای خودتخریبی زوجین ریشه در بافت ناسازگاری زناشویی و عدم کنترل هیجانها دارد. هوش هیجانی نوعی از هوش اجتماعی و شامل توانمندی نظارت بر هیجانهای خود و دیگران است. هدف این مطالعه، بررسی نقش هوش هیجانی در پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان است.

روش بررسی: روش پژوهش در طرح حاضر مقطعی، توصیفی - تحلیلی با انتخاب دو گروه آزمون - شاهد ۸۳ نفری از زنان مورد خشونت واقع شده مراجعه کننده به سازمان پزشکی قانونی و زنان فاقد سابقه خشونت خانگی به صورت غیر احتمالی از گروههای در دسترس می باشد. نمونههای هر دو گروه، بر گه مشخصات جمعیت شناختی و پرسشنامه هوشبهر هیجانی بار- آن (bar-on) را تکمیل کردند.

یافتهها: نتایج نشان داد که در نمره کلی هوش هیجانی و نیز در تمامی مؤلفههای هوش بین فردی، درون فردی، سازگاری، تحمل استرس و خلق عمومی، میانگین نمرات گروه زنان عادی بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده، بوده است. همچنین تفاوت معنادار در خرده مؤلفههای هوش هیجانی نیز دیده شد.

نتیجه گیری: ارتقا و کارآمد کردن تواناییهای هوش هیجانی که در زمره اصلی ترین مهارت‌های عاطفی و اجتماعی زندگی است، در پیشگیری از خشونت های خانوادگی اهمیت بسیار دارد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، خشونت خانوادگی، پزشکی قانونی، پرسشنامه بار- آن، زنان قربانی خشونت

تأیید مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۶

وصول مقاله: ۱۳۸۷/۳/۲۵

نویسنده پاسخگو: خیابان کارگر جنوبی، خیابان کمالی، بیمارستان لقمان حکیم، بخش مسمومین emamhadi@yahoo.com

زوجین ریشه در ناسازگاری زناشویی دارد (۱۲،۱۳). و آنچه که در این میان بسیار حیاتی می نماید، بررسی این موضوع است که آیا بالا بودن هوش هیجانی می‌تواند به عنوان عاملی برای پیشگیری از خشونت خانوادگی علیه زنان مطرح گردد. لذا محققان این پژوهش بر آن شدند تا به بررسی چگونگی رشد آشنفگی در زندگی مشترک، به ویژه در زمینه ویژگی های هیجانی، شیوه های ارتباط و حل مسأله و مقایسه آن در دو گروه زنان مورد خشونت واقع شده و زنانی که فاقد چنین سابقه‌ای هستند، بپردازند.

روش بررسی

مطالعه حاضر به صورت مقطعی، توصیفی - تحلیلی با انتخاب دو گروه ۸۳ نفره آزمون (گروه زنان مورد خشونت واقع شده مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی شهر تهران طی یک دوره شش ماهه)

- 1- Emotional experiments
- 2- Intelligence Quotient = IQ
- 3- Emotional Intelligence = EI or EQ
- 4- Self-destroyed behavior

مقدمه

موفقیت در زندگی شخصی و حرفه‌ای هر شخص به توانایی وی برای استدلال در مورد تجارب هیجانی^۱، مسایل دارای بار عاطفی و ارایه پاسخ به شیوه های سازگارانه از لحاظ هیجانی نسبت به نتایج مبتنی از استدلال درباره گذشته، حال و آینده وابسته است (۱). تحقیقات متعدد بر این موضوع تأکید دارد که امروزه صرف توسل به هوش عمومی^۲ به تنهایی برای تبیین موفقیت کافی نبوده و برای دستیابی به موفقیت، به چندین نوع هوش و کنترل هیجانان نیاز می باشد (۳-۴). از طرفی برخی پژوهشگران بر این باورند که بین هوش هیجانی^۳ و عملکرد موثر در تطابق با اقتضانات روزمره زندگی پیوند و رابطه استواری وجود دارد (۵-۸).

واقعیت آن است که مقوله ازدواج از مهم ترین و پیچیده ترین جنبه‌های زندگی انسان بوده، به طوری که لازمه ازدواج موفق، وجود سطح بالایی از سازگاری در طرفین است (۹-۱۱). باید اذعان داشت که عمده علت بروز خشونت‌های بین فردی و رفتارهای خودتخریبی^۴

جدول ۱ - راهنمای تفسیری برای نمرات مقیاس EQ-I

نمرات استاندارد	راهنمای تفسیری
بالاتر از ۱۳۰	بطور محسوس بالا - قابلیت هیجانی که بطور استثنایی رشد یافته است .
۱۲۰ - ۱۲۹	خیلی بالا - قابلیت هیجانی که به میزان زیادی رشد یافته است .
۱۱۰ - ۱۱۹	بالا - قابلیت هیجانی رشد یافته
۹۰ - ۱۰۹	متوسط - قابلیت هیجانی مناسب
۸۰ - ۸۹	پایین - قابلیت هیجانی رشد نیافته ، نیاز به بهبود
۷۰ - ۷۹	خیلی پایین - قابلیت هیجانی که بمیزان زیاد رشد نیافته ، نیاز به بهبود
پایین تر از ۷۰	به طور محسوس پایین - قابلیت هیجانی که به طور غیرعادی رشد نیافته است ، نیاز به بهبود

رویاری با موقعیت‌های محیطی است (۵). نمرات بالا و پایین براساس فاصله آنها از میانگین (۱۰۰) تعریف می‌شوند (جدول ۱).

یافته‌ها

در بین نمونه‌های مورد بررسی، ۶۱٪ گروه نمونه مورد بررسی دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم و ۷۵٪ آنان خانه دار بودند و بیشترین فراوانی مربوط به دامنه سنی ۳۰-۲۶ سال بود. ۶۰٪ از همسران این گروه نیز دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بوده که ۵۸٪ آنان شغل غیر دولتی داشتند (جدول ۲).

آیا تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مؤلفه‌های هوش هیجانی در دو گروه مورد بررسی وجود دارد؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی، میانگین نمرات گروه شاهد (گروه زنان فاقد سابقه خشونت) بیشتر از گروه آزمون (زنان مورد خشونت واقع شده) می‌باشد. مطابق نتایج آزمون تحلیل واریانس با کنترل خطای نوع اول (جدول ۳)، تفاوت بین دو گروه در تمامی مؤلفه‌ها و نمره کلی هوش هیجانی معنادار است. به عبارت دیگر در نمره کلی هوش هیجانی و نیز در مؤلفه‌های هوش بین فردی، درون فردی، سازگاری، تحمل استرس و خلق عمومی میانگین نمرات در گروه زنان عادی بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده است. مقادیر ضرایب تعیین نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت مربوط به نمره

- 5- Bar-on EQ Questioner
- 6- Reuven Bar-on
- 7- Intra-personal Relationship
- 8- Inter-personal Relationship
- 9- Stress tolerance
- 10- Adaptability
- 11- General mood

و گروه شاهد (زنانی که به دلایلی غیر از شکایت از همسر و درگیری خانوادگی (نظیر افت تحصیلی فرزندان، اختلالات نوروتیک و ...) به مرکز مشاوره توحید مراجعه داشته و در مصاحبه سابقه ای از خشونت خانگی نداشتند)؛ به صورت غیر احتمالی در دسترس انجام گردید. در هر دو گروه مورد مطالعه، نمونه‌ها دارای زندگی مشترک، دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، سطح تحصیلات زیر دیپلم تا لیسانس و تعداد فرزندان ۱ تا ۴ نفر بودند.

پس از اخذ معرفی‌نامه از سازمان پزشکی قانونی، پژوهشگران به پنج مرکز پزشکی قانونی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز مراجعه کردند و با ارایه حضوری توضیحاتی به نمونه‌های مورد بررسی در ارتباط با هدف پژوهش، اهمیت آن و محرمانه بودن اطلاعات بدست آمده از آنان خواستند تا با دقت به تکمیل پرسشنامه «هوش بهر هیجانی بار-آن»^۵ و فرم مشخصات جمعیت‌شناختی «شاخص‌های مربوط به اطلاعات زمینه‌ای و متغیرهای همتاسازی گروه‌ها (سن، تحصیلات، شغل و تعداد فرزندان)» اقدام نمایند. در نهایت تمامی داده‌ها تحت بررسی‌های توصیفی تحلیلی جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و تحلیل واریانس چند متغیره قرار گرفته‌اند.

پرسشنامه هوش بهر هیجانی بار-آن:

پرسشنامه هوش بهر هیجانی بار-آن به طور کمی دو مفهوم پیچیده هوش هیجانی (یعنی مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی که توانایی فرد را برای موفقیت و برآوردن خواست‌ها و نیازهای محیطی، تحت تأثیر قرار می‌دهد) و سلامت هیجانی کنونی را توصیف و ارزیابی می‌کند (۵). این پرسشنامه حاوی ۱۳۳ سؤال و نخستین پرسشنامه معتبر فرافرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است (۶) که در سال ۱۹۹۷ توسط روون بار-آن^۶ ساخته شد و مشتمل بر یک نمره کلی (هوش بهر هیجانی کلی)، پنج عامل مرکب روابط درون فردی^۷، روابط بین فردی^۸، مقابله با فشار^۹، سازگاری^{۱۰}، خلق کلی^{۱۱}، یک شاخص هماهنگی و ۱۵ خرده مقیاس است. مدت زمان لازم برای پاسخ محدودیتی ندارد، اما لازم است در یک مرحله به سؤالات پاسخ داده شود. عموماً اغلب آزمودنی‌ها طی ۴۰-۳۰ دقیقه به این پرسشنامه پاسخ می‌دهند.

جهت محاسبه پایایی آزمون، دکتر دهشیری و همکاران از روش باز آزمایی و روش آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند (۱۴). میانگین ضرایب پایایی برای ۱۵ خرده مقیاس EQ-I بعد از یک ماه برابر ۰/۷۳۵ و در روش آلفای کرونباخ، میانگین ضرایب آلفا برابر با ۰/۷۳۳ بوده که به طور کلی با توجه به نتایج ضرایب بازآزمایی و ضرایب آلفا برای هر یک از خرده مقیاس‌ها می‌توان نتیجه گرفت که EQ-I در مورد جمعیت ایرانی از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در تفسیر آزمون، نمرات بالا در مقیاس‌های EQ-I نشان می‌دهد مهارت‌های هیجانی اندازه گرفته شده، قوی، توسعه یافته و دارای عملکرد مؤثر بوده، نمرات پایین نشان دهنده نقص و نیاز به بهبود صلاحیت‌ها و مهارت‌های خاص در

جدول ۲- خصوصیات جمعیت شناختی در گروه نمونه مورد بررسی

خصوصیات جمعیت شناختی	گروه ۱	گروه ۲	مجموع
مجموع	۳	۳	۶
درصد	۱/۸	۱/۸	۳/۶
مجموع	۱۲	۱۷	۲۹
درصد	۷/۲	۱۰/۲	۱۷/۵
مجموع	۱۸	۱۴	۳۲
درصد	۱۰/۸	۸/۴	۱۹/۳
مجموع	۵۰	۴۹	۹۹
درصد	۳۰	۲۹/۴	۵۹/۴
مجموع	۴	۴	۸
درصد	۲/۴	۲/۴	۴/۸
مجموع	۱۶	۸	۲۴
درصد	۹/۶	۴/۸	۱۴/۵
مجموع	۱۱	۲۲	۳۳
درصد	۶/۶	۱۳/۳	۱۹/۹
مجموع	۵۲	۴۹	۱۰۱
درصد	۳۱/۳	۲۹/۴	۶۰/۶
مجموع	۱۱	۹	۲۰
درصد	۶/۶	۵/۴	۱۲
مجموع	۴۵	۵۲	۹۷
درصد	۲۷/۱	۳۱/۳	۵۸/۴
مجموع	۲۷	۲۲	۴۹
درصد	۱۶/۳	۱۳/۳	۲۹/۵
مجموع	۵۸	۶۷	۱۲۵
درصد	۳۴/۹	۴۰/۴	۷۵/۳
مجموع	۲۵	۱۶	۴۱
درصد	۱۵/۱	۹/۶	۲۴/۷
مجموع	۵	۵	۱۰
درصد	۳	۳	۶
مجموع	۱۸	۱۸	۳۶
درصد	۱۰/۸	۱۰/۸	۲۱/۷
مجموع	۲۶	۲۶	۵۲
درصد	۱۵/۷	۱۵/۷	۳۱/۳
مجموع	۱۰	۱۰	۲۰
درصد	۶	۶	۱۲
مجموع	۱۳	۱۳	۲۶
درصد	۷/۸	۷/۸	۱۵/۷
مجموع	۱۱	۱۱	۲۲
درصد	۶/۶	۶/۶	۱۳/۳
مجموع	۸۳	۸۳	۱۶۶
درصد	۵۰	۵۰	۱۰۰

کلی هوش هیجانی، هوش درون فردی و تحمل استرس می باشد. آیا تفاوت معناداری بین میانگین نمرات خرده مؤلفه های هوش

هیجانی در دو گروه وجود دارد؟

بررسی ها نشان می دهد که در تمامی خرده مؤلفه های هوش هیجانی، نمرات گروه شاهد (گروه زنان فاقد سابقه خشونت) بیشتر از گروه آزمون (زنان مورد خشونت واقع شده) است. آزمون تحلیل واریانس با کنترل خطای نوع اول (جدول ۴) نشان داد که تفاوت بین دو گروه در تمامی خرده مؤلفه ها به جز خرده آزمون مسئولیت اجتماعی معنادار است؛ به عبارت دیگر در خرده مؤلفه های خود آگاهی هیجانی، ابراز وجود، احترام به خود، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، روابط بین فردی، حل مسأله، آزمون واقعیت، انعطاف پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه، شادکامی و خوشبینی، میانگین نمرات در گروه زنان عادی بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده است. مقادیر ضرایب تعیین نشان می دهد که بیشترین تفاوت مربوط به خرده آزمون های تحمل استرس، خود شکوفایی و استقلال می باشد.

بحث

پژوهش های بسیاری در رابطه با بررسی خشونت خانگی و رابطه آن با ناسازگاری زناشویی صورت گرفته است. مطالعات متعدد نشان می دهند که هر ساله یک نفر از هر هشت مرد متأهل نسبت به همسر خود پر خاشاگری جسمی داشته، بالغ بر دو میلیون زن توسط شوهران خود مورد حمله واقع می شوند (۲۱-۱۵).

بر اساس نتایج مطالعه حاضر در تمامی خرده مؤلفه های مورد بررسی، میانگین نمرات گروه شاهد یعنی گروه زنان فاقد سابقه خشونت بیشتر از گروه نمونه یعنی زنان مورد خشونت واقع شده، بوده است. آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل واریانس با کنترل خطای نوع اول نشان داد که تفاوت بین دو گروه تقریباً در تمامی خرده مؤلفه ها معنادار است. به عبارت دیگر در خرده مؤلفه های خود آگاهی هیجانی، ابراز وجود، احترام به خود، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، روابط بین فردی، حل مسأله، آزمون واقعیت، انعطاف پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه، شادکامی و خوشبینی وضعیت در گروه زنان عادی بهتر از زنان مورد خشونت واقع شده، بوده است. بیشترین تفاوت مربوط به خرده آزمون های تحمل استرس، خود شکوفایی و استقلال می باشد.

اخیراً مفهوم سازی نقش هیجان در زمینه سازگاری یا رضامندی زناشویی در قالب اصطلاح نوظهور هوش هیجانی عمومیت گسترده ای یافته است (۱۱، ۱۳، ۲۲). پژوهش های Fitness و همکاران (۱۱) نشان داده که هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه های آن، توانایی ایجاد ازدواجی موفق، توأم با رضایت و سازگاری داشته، افراد دارای هوش هیجانی بالاتر در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضامندی زناشویی بیشتری را تجربه می کنند. رضایت از همسر، رابطه زیادی با

جدول ۳- میانگین مؤلفه های هوش هیجانی و تحلیل واریانس آن در دو گروه نمونه مورد بررسی

سطح معناداری	آزمون f	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	گروه‌ها
. / .۰۰۰	۲۹ / ۹۸۷	۸۳	۹ / ۱۶۹۴۸	۱۱۱ / ۶۴۵۶	۱ بین فردی
		۸۳	۷ / ۴۸۳۰۹	۱۱۸ / ۷۸۷۶	۲
. / .۰۰۰	۳۷ / ۵۰۷	۸۳	۱۲ / ۶۹۲۰۸	۹۴ / ۰۹۸۷	۱ سازگاری
		۸۳	۸ / ۱۰۹۳۴	۱۰۴ / ۰۹۸۳	۲
. / .۰۰۰	۴۹ / ۶۳۵	۸۳	۱۰ / ۵۸۳۹۰	۵۸ / ۴۹۸۴	۱ تحمل
		۸۳	۶ / ۶۷۳۸۹	۶۷ / ۸۷۳۸	۲
. / .۰۰۰	۴۸ / ۰۹۴	۸۳	۸ / ۳۸۷۲۸	۵۷ / ۴۸۹۷	۱ خلق عمومی
		۸۳	۶ / ۰۲۹۸۲	۶۵ / ۲۹۰۳	۲
. / .۰۰۰	۵۸ / ۶۰۹	۸۳	۱۶ / ۳۵۴۷۰	۱۴۱ / ۸۹۷۳	۱ درون فردی
		۸۳	۱۲ / ۳۴۸۹۵	۱۵۹ / ۱۸۹۷	۲
. / .۰۰۰	۸۰ / ۴۹۹	۸۳	۴۷ / ۲۷۴۸۰	۴۶۳ / ۰۹۸۷	۱ نمره کلی هوش هیجانی
		۸۳	۲۳ / ۳۸۹۵۱	۵۱۵ / ۷۶۵۰	۲

ایجاد ارتباط و رابطه مناسب با دیگران باشند. بنابراین انتظار می‌رود افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، تماس‌های اجتماعی بیشتر و روابط با کیفیت بهتری داشته باشند. مطالعات متعدد محققان (۲۴، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۶) نشان داد که بین هوش هیجانی و روابط بین فردی رابطه‌ای قوی وجود داشته، کسب نمره بالا در هوش هیجانی با کسب نمره بالا در روابط بین فردی صمیمانه (مانند گزارش برقراری روابط نزدیک و درگیری هیجانی بیشتر با دیگران) همبستگی بالایی دارد. افرادی که توانایی زیادی در مهارت اداره هیجان‌های دیگران دارند، می‌توانند به آنها کمک کنند تا خلق خود را در جهت مثبت تنظیم کرده و روابط صمیمانه‌ای برقرار سازند.

ارتباط و رابطه بین فردی سازگاران پایه‌ای اساسی برای موفقیت زناشویی و فرایندی تسهیل کننده برای ازدواجی پایدار و رضامندانه محسوب می‌شود. مطالعه زوج‌های ناموفق نشان داد که در مقایسه با زوج‌های موفق، مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری داشته، در توانایی برقراری ارتباط مناسب مشکل دارند. تظاهرات رفتاری مانند انتقاد، عدم توافق، شکایت و تحقیر کردن، بهانه‌جویی، طعنه زنی و الگوهای ارتباطی عاری از پاداش از شیوه‌های سبک ارتباطی آنهاست که می‌تواند موجب رشد اختلالات زناشویی و مشکلات رابطه‌ای در زوجین گردد (۲۶، ۲۵).

نتیجه‌گیری

تعیین مؤلفه‌های ساختاری هوش هیجانی و به کارگیری مؤثر آن برای تقویت کفایت شخصی و بهبود روابط بین فردی در قالب پژوهش-

خلق عمومی (شادکامی و خوشبینی)، جنبه‌های درون فردی زندگی شخصی (احترام به نفس، خود شکوفایی)، جنبه‌های بین فردی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی) دارد. شادکامی در رابطه با خود و زندگی، احترام به نفس مثبت، تماس با خویش، احساس خود گردانی، انتظارات واقعی، مهارت‌های بین فردی خوب، احساس مسئولیت نسبت به دیگران و توانایی حفظ نگرش مثبت علی‌رغم وجود شرایط دشوار، در رضایت زناشویی سهم بسزایی دارد. همچنین نتایج مطالعه ما نشان داد که در کلیه مؤلفه‌های هوش بین فردی، درون فردی، سازگاری، تحمل استرس و خلق عمومی میانگین نمرات در گروه شاهد بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده است. بیشترین تفاوت نیز مربوط به هوش درون فردی و تحمل استرس بوده‌است.

پژوهش‌های متعددی (۱۰، ۹، ۱) به این یافته اشاره دارد که یکی از ویژگی‌های اولیه افراد دارای هوش هیجانی بالا، توانایی شناسایی صحیح هیجان‌ها و قضاوت در مورد یکپارچگی تظاهرات هیجانی است. به همین دلیل، این افراد موفقیت بیشتری در تطابق با زندگی دارند. آنها قادرند حالات هیجانی خود را به درستی درک و ارزیابی کنند، به نحوه و زمان ابراز احساسات خود آگاهند و می‌توانند به طریقی مؤثر حالات خلقی خود را تنظیم نمایند. نتایج بررسی‌های دانشمندان (۲۳، ۱۱) نشان داد که بین توانایی افراد در شناسایی و تظاهر هیجان‌ها و شادکامی و رضایت زناشویی رابطه پایایی وجود دارد و توانایی شناسایی و فهم هیجان‌های خود، یعنی خودآگاهی هیجانی، نقش مهمی در تنظیم روابط بین فردی ایفا می‌کند. بسیاری از جنبه‌های هوش هیجانی ممکن است مبنایی برای

جدول ۴- میانگین خرده مؤلفه های هوش هیجانی و تحلیل واریانس آن در دو گروه نمونه مورد بررسی

سطح معناداری	آزمون f	انحراف معیار	میانگین	گروه‌ها	
. / .۰۲	۱۰ / ۲۰۹	۵ / ۱۴۵۴۹	۳۱ / ۵۱۸۱	۱	خود آگاهی هیجانی
		۵ / ۸۷۹۸۶	۳۴ / ۲۵۳۰	۲	
. / .۰۰۰	۲۵ / ۶۹۷	۴ / ۶۶۵۶۸	۲۰ / ۵۵۴۲	۱	ابراز وجود
		۳ / ۰۸۷۶۵	۲۳ / ۶۵۰۶	۲	
. / .۰۳۴	۴ / ۵۸۵	۴ / ۸۹۹۸۷	۲۵ / ۲۲۸۹	۱	احترام به خود
		۳ / ۸۷۹۷۶	۳۶ / ۶۷۵۷	۲	
. / .۰۰۰	۵۰ / ۹۸۸	۴ / ۳۴۵۴۶	۳۱ / ۴۹۸۰	۱	خود شکوفایی
		۵ / ۲۸۹۷۶	۳۶ / ۸۷۹۰	۲	
. / .۰۰۰	۴۹ / ۳۳۴	۳ / ۱۷۸۷۸	۲۳ / ۳۵۶۷	۱	استقلال
		۵ / ۰۹۸۷۵	۲۲ / ۲۲۸۹	۲	
. / .۰۰۰	۱۷ / ۷۱۹	۳ / ۴۹۸۹۸	۲۹ / ۵۶۴۷	۱	همدلی
		۵ / ۱۷۸۷۵	۳۲ / ۴۵۶۷	۲	
. / .۰۰۰	۱۸ / ۲۳۵	۴ / ۷۶۷۸۹	۴۰ / ۲۴۱۰	۱	روابط بین فردی
		۵ / ۵۸۹۷۶	۴۰ / ۶۶۲۷	۲	
. / .۰۷۸	۳ / ۱۳۸	۴ / ۶۵۷۴۸	۴۱ / ۶۵۰۶	۱	مسئولیت اجتماعی
		۳ / ۴۴۹۸۰	۴۲ / ۷۳۴۹	۲	
. / .۰۰۳	۹ / ۴۱۷	۴ / ۹۸۰۸۶	۳۱ / ۵۶۶۳	۱	حل مسئله
		۲ / ۶۷۶۵۴	۳۳ / ۴۶۹۹	۲	
. / .۰۰۰	۱۹ / ۸۳۱	۵ / ۸۶۹۴۰	۳۲ / ۹۲۷۷	۱	آزمون واقعیت
		۵ / ۵۲۶۷۵	۳۶ / ۸۶۷۵	۲	
. / .۰۰۰	۳۲ / ۳۹۷	۵ / ۱۰۹۸۲	۲۹ / ۵۴۲۲	۱	انعطاف پذیری
		۴ / ۳۸۷۶۳	۳۳ / ۷۴۷۰	۲	
. / .۰۰۰	۶۰ / ۵۷۵	۵ / ۱۸۷۳۶	۲۸ / ۴۹۴۰	۱	تحمل استرس
		۳ / ۳۷۸۷۲	۳۳ / ۹۶۳۹	۲	
. / .۰۰۰	۲۰ / ۵۵۵	۷ / ۹۴۵۳۶	۲۹ / ۶۹۸۸	۱	کنترل تکانه
		۴ / ۷۰۹۱۷	۳۳ / ۹۱۵۷	۲	
. / .۰۰۰	۲۹ / ۴۵۴	۴ / ۹۷۸۶۷	۲۷ / ۷۵۷۹	۱	شادکامی
		۴ / ۷۴۸۷۱	۳۱ / ۷۵۵۸	۲	
. / .۰۰۰	۳۷ / ۰۸۹	۴ / ۵۷۸۷۳	۲۹ / ۶۹۸۸	۱	خوشبینی
		۳ / ۱۸۹۷۱	۳۳ / ۴۳۳۷	۲	

دارد. در نتیجه بایستی هوش هیجانی مشترک بین دو همسر را پروراند و از این طریق احتمال تشریک مساعی آنان را برای کسب رضایت بیشتر و حل مسایل خود افزایش داد.

تقدیر و تشکر

این مقاله بخشی از نتایج حاصله از طرح تحقیقاتی به شماره ثبت ۱/۲/۲۰۳۰۳ مصوب معاونت پژوهشی سازمان پزشکی قانونی کشور می‌باشد که با مشارکت مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور انجام پذیرفته است. در اینجا شایسته است که مراتب سپاس و قدرشناسی خود را اعلام نماییم.

ضمناً بر خود لازم می‌دانیم جهت سپاس از زحمات کلیه عزیزان معاینات زنان مرکز که ما را در اجرای این طرح یاری داده‌اند، کمال

های عملی و کاربردی و توجه به ارتقا و کارآمد کردن این توانایی‌های هیجانی که در زمره اصلی‌ترین مهارت‌های عاطفی و اجتماعی زندگی است، اهمیت بسیاری دارد.

واقعیت آن است که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضامندی بیشتری همراه است. مردان و زنانی که سطح بالایی از رضامندی و صمیمیت را در رابطه با ازدواج خود گزارش می‌کنند، در پیش‌بینی احساسات و باورهای شریک زندگی خود بسیار دقیق هستند و ارزش‌ها و باورهای مشابهی را در باره میزان نزدیکی و صمیمیت بین خود حفظ می‌کنند. ازدواج رضامندانه محل تلاقی و تبادل احساسات و عواطف مثبت بین زوجین است و هوش هیجانی، یا حداقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی‌سازی یک ازدواج سازگارانه و توأم با رضایت مطلوب و با ثبات را

References

- Salovey P, Mayer JD, Bedell BT, Detweiler JB. Current directions in emotional intelligence research. Handbook of emotions 2nd ed. New York: Guilford press; 2000. 504-20.
- Mayer J.D., Salovey P. Emotional intelligence and the construction and regulation of feeling. Applied and preventive Psychology. 1995;4(3):197-208.
- Mayer JD, salovey P, Caruse DR, Sitareniose G. Emotional intelligence as standard intelligence. Emotion. 2001;1: 232-42.
- Pellitteri J. The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. The Journal of psychology. 2002: 136(2): 182-92.
- Bar-on R. Bar-on emotional quotient inventory. Toronto: multi-health system Inc. 1997: 66-71
- Bar-on R, Parker L. Emotional & social intelligence insights from emotional quotient inventory (EQ-i). In: Bar-on R & Parker, J DA (Eds). 2000: 21-28.
- Bar-on R., Sitarenios M. Emotional intelligence and self-actualization. Emotional intelligence in everyday life. Philadelphia: Tailor & Francis. 2001: 82-97.
- Goleman D. Emotional intelligence. Kaplan & sadock's comprehensive Textbook of psychiatry. 7th ed Philadelphia: Williams &Wilkins. 2000 : 446-62.
- Mayer JD, salovey P. The intelligence of emotional intelligence. Intelligence. 1993; 17(4):433-442.
- Saarni C. The development of emotional competence. New York: Guilford press. 1999: 99-104.
- Fitness J, Brissette N, Clark L. Emotional intelligence and intimate relationships. Emotional intelligence in everyday life. Philadelphia: Taylor & Francis. 2001: 98-112.
- Goleman D. Emotional intelligence; why it can matter more than IQ. New York: Bantam Books. 1995: 88-91.
- Schutte NS. Emotional intelligence and inter personal relation. The journal of social Psychology. 2001; 141(4): 523-36.
- Dehshiri Gh. Evaluation of the structure of Bar-on emotional quotient inventory on Tehran university students. Psychology and behavior faculty of allame tabatabaei university. 1382: 56-61.
- Pasch LA, Bradbury TN. Social support, conflict and development of marital dysfunction. Journal of consulting and clinical Psychology. 1998; 66(2).219-30.
- Holtzworth MA, Sinutzler N, Stuart GL. Demand and Withdraw communication among couples experiencing husband Violence. Journal of consulting and clinical psychology. 1998; 66(5):731-43.
- Dutton DG. Male abusiveness in initiate

- relationships. *Clinical psychology*. 1995; 15 (6):567-81.
- 19- Murphy CM, Oleary KD. Psychological aggression predicts Physical aggression in early marriage. *Journal of consulting and clinical psychology*. 1989; 75(5):579-582.
- 20- Cascardi MO, Leary KD, Lawrence E, Schlee KA. Characteristics of women physically abuse by their spouses and who seek treatment regarding martial conflict. *Journal of consulting and clinical Psychology*. 1995; 63(4):616-23.
- 21- Jewkes R. Intimate partner violence: causes and prevention. *the lancet*. London. 2002; 359-1429.
- 22- Ellsberg MG, Winkvisit A, Pena R, Stenlud H. Women's strategic responses to violence in Nicaragua. *Journal of Epidemiology and community Health*. 2001; 55: 547-59.
- 23- Gottman JM, Levenson RW, deKay ML, Greeno G. A two-factor model for predicting when a couple will divorce. *Family process*. 2002; 41: 83-110.
- 24- Flury J, Ickes W. Emotional intelligence and empathic accuracy. *Emotional intelligence in everyday life*. Philadelphia: Taylor & Francis. 2001; 113-32.
- 25- Ciarrochi J, Deane FP, Anderson L. Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. *Personality and individual differences*. 2002; 32: 197-209.
- 26- Morris ML, Carter S. Transition to Marriage: A literature Review. *JFCSE*. 2000; 117(1): 1-21.
- 27- Stanley SM, Blumberg SL, Markman HJ. helping couples fight for their marriages: The PREP approach. *Preventive approaches in couples' therapy*. Philadelphia: Taylor & Francis. 1999; 279-303.